



« پژوهشی در خرد »

دوراندیشی

آورده‌اند که روزی احنف قیس نزدیک^۱ معاویه درآمد و هر کس در باب^۲ امیرالمومنین علی (ع) سخنی می‌گفتند، احنف خاموش گشت و بنشست و هیچ نمی‌گفت و در هیچ سخن شروع نمی‌کرد. معاویه گفت: یا احنف چرا سخن نمی‌گویی؟ گفت: چه گویم، اگر راست گویم از تو بترسم، و اگر دروغ گویم از خدای تعالی. پس در این مقام، سکوت لایق‌تر و به حزم^۳ نزدیک‌تر.

ص ۱۶۴. جوامع‌الحکایات. جلد اول از قسم سوم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

زندگی‌نامه‌ی فضل‌الله نعیمی، رهبر جنبش حروفیه

پژوهشگر - زهرا بیگم جوادی‌زاده

مسیر استرآباد تا اصفهان را با پای پیاده پیمود و در نتیجه گرفتار درد پا شد و چهار ماه در کاروانسرای به استراحت پرداخت. در این مدت فضل فرصت یافت تا با خود خلوت کند. او به خواب و رؤیا عقیده داشت و آن را بهترین پل ارتباطی با خدا می‌دانست. شخصیت فضل‌الله با خواب دیدن و تعبیر خواب شکل گرفت و از معبران مشهور زمان خود شد.

فضل مدتی را در اصفهان گذراند و سپس به سفر مکه رفت، در بازگشت از حج وارد تبریز شد و با سلطان اویس جلاپری و وزیرش زکریا ملاقات نمود. سپس به خوارزم رفت و مدتی در آن جا اقامت گزید. برای بار دوم راهی مکه شد؛ در نیمه‌ی راه آوازی شنید که: «ای فضل برگرد و بنگر» و چون برگشت امام هشتم را دید که در مقابلش ایستاده است و این شعر را می‌خواند:

هر که نام او کسی یافت، از این درگه بود
ای برادر کس او باش و میندیش از کس
به همین دلیل از سفر حج منصرف شد و به مشهد رفت و مدتی در آن جا به عبادت پرداخت و به صفای باطن و آرامش روحی رسید. پس از چندی دگر باره راهی مکه شد و چون بازگشت ساکن گردید.

در خوارزم اقامت کرد و به عبادت و اعتکاف پرداخت تا این که خوابی دید و این خواب زندگی او را دگرگون کرد. به خواب دید که در حمام است و حضرت مسیح بر او وارد شد. حضرت از او پرسید: «آیا می‌دانی از شیوخ اسلام کدام یک به راه راست رفته و جز خدا چیزی نجسته‌اند و کدام بر خلاف این عمل

خاصی ایجاد کرد، به طوری که قبل از سن تکلیف به عبادت می‌پرداخت و خود را همدوش حضرت محمد (ص) و مسیح (ع) می‌دانست و تلاش می‌کرد از راه مذهب، ایرانیان را علیه قوم مغول رهبری کند. به همین دلیل شغل قضاوت را که دوستان پدرش برای او در نظر گرفته بود نپذیرفت، اما اندیشه‌ی کسانی که به او وابسته بودند آرامش و سکون فکری و قلبیش را پریشان نمود و بین حال عرفانی و مال دنیایی گرفتارش ساخت.

در ابتدا کلمه بود و کلمه

نزد خدا بود و کلمه خدا بود.

انجیل یوحنا، باب اول

روزی در بازار استرآباد شنید که درویشی این بیت مولانا را می‌خواند:

از مرگ چه اندیشی چون جان بقا داری

در گور کجا گنجی، چون نور خدا داری

معنا و مفهوم این بیت شوریده‌اش ساخت تا آن جا که برای رهایی از قید و بندهای مادی و دنیوی به گورستان حاشیه‌ی شهر رفت و با خود خلوت کرد. از این پس راه دیگری برگزید و از تمام وابستگی‌های دنیا کناره‌گیری کرد و راهی صحرا شد. لباس فاخر خود را با جامه‌ی نمدی چوپانی عوض کرد و راه سفر در پیش گرفت.

هدف فضل‌الله از سفر، دست یافتن به آزادی اندیشه و سیر آفاق و انفس بود. در این سفرها تجارب بسیاری اندوخت و از نزدیک با دردهای مردم آشنا شد. در نخستین سفرش

در مورد نام و محل تولد فضل‌الله طبق معمول بین مورخان و محققان اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی او را تبریزی و برخی دیگر مشهدی یا استرآبادی می‌دانند. هیچ کدام از این نظریات بی‌مورد نیست و هر کدام به دلیل خاصی وی را اهل آن شهر می‌دانند؛ از جمله رضا قلی‌خان هدایت در «ریاض العارفین» او را مشهدی‌الاصل می‌داند و این به دلیل مسافرت‌های فراوانی است که فضل‌الله به مشهد و دیگر شهرهای خراسان داشته است و از آن جهت تبریزی خوانده می‌شود که سال‌های بسیاری را در تبریز مقیم بوده و در سال ۷۷۸ هـ. ق. در همان جا اعلام کرد که حق بر او تجلی کرده و اسرار و حقایق در نظرش آشکار شده است.

اما فضل‌الله خود را در کتاب نومنامه، «فضل استرآبادی» خوانده است و استرآباد را با «بلدالامین» قرآن هم ردیف دانسته و هم چنین اغلب آثار نظم و نثر خود را به لهجه‌ی استرآبادی نگاشته است. پس می‌توان گفت وی اهل استرآباد بوده و نام کاملش «فضل‌الله ابن ابومحمد عبدالرحمان جلال‌الدین استرآبادی» متخلص به نعیمی است.

فضل‌الله در سال ۷۴۰ هـ. ق. در استرآباد و در خانواده‌ی صوفی مشرب، زاده شد.

پدرش قاضی‌القضات استرآباد بود و در همان اوان کودکی فضل‌الله درگذشت. دوران نوجوانی او با حمله‌ی مغول، آغاز قیام سرداران و تحولات سیاسی دیگری هم زمان بود. یتیمی و تنهایی، شیوه تربیت خانوادگی و اوضاع اجتماعی، برای فضل‌الله حالت روحی

۱- به نزد

۲- در مورد

۳- دوراندیشی



کرده‌اند؟» فضل جواب منفی داد. حضرت عیسی (ع) تمام مشایخ را نام برد و از ابراهیم ادهم، بساطمی، سهل تستری و

بهلول در ردیف مخلصان یاد کرد. هنگامی که فضل از خواب بیدار شد فقط همین چهار اسم را به خاطر داشت. این خواب سرآغاز دوره دیگری در زندگی وی یعنی ورود به دنیای عرفان و تصوف بود. از نظر فضل‌الله خواب اهمیت دینی داشت و در واقع برای او منبع معرفت به شمار می‌رفت و همچنین از طریق تعبیر خواب و رؤیا در شهرهای مختلف ایران پیروانی به دور خویش جمع کرد و از این راه شهرتی به دست آورد. بازرگانی به نام سیدمحمد نانا، درویشی به نام درویش علی و نصرالله نافجی (نویسنده کتاب خوابنامه) از جمله یاران او بودند. فضل در زمینه‌ی خواب و رویا کتابی به نام «نومنامه» نوشت که شرح خواب‌هایش، تاریخ و محل آن‌ها در این کتاب ذکر شده است.

همچنین فضل‌الله در سال ۷۷۶ ه. ق. در تبریز خواب‌هایی دید که در زندگی آینده او بی‌تأثیر نبود و او را وارد سومین مرحله‌ی زندگی یعنی آوردن آیین جدید کرد.

فضل‌الله در خواب دید: ستاره‌ای بزرگ و درخشان از سمت شرق شروع به تابیدن نمود، پرتوی قوی از این ستاره تابید و در چشم راست فضل فرو رفت. تا این که بالاخره ستاره محو شد. فضل آوازی شنید که می‌گفت: می‌دانی این ستاره چه بود؟ فضل‌الله جواب منفی داد. ندا آمد: این ستاره‌ای است که هر چند قرن یک بار برمی‌آید. فضل بیدار شد و شنید که پرندگان آواز می‌خوانند و او آواز آن‌ها را می‌فهمد (این خواب نشان از یک تفکر باستانی دارد که معتقد به فرا رسیدن هزاره و ظهور یک نفر منجی در این هزاره است). فضل ادعا کرد که نور الهی در درونش متجلی شده و قادر به تاویل احکام شرعی است.

در کتاب «واژه‌نامه‌ی گرگانی» آمده: «در خواب لباس سپیدی به غایت پاک و شسته دیده که جامه‌ی خود او بوده». در این زمان فضل پایه‌های آیین جدید خود را استوار ساخت و سپس ادعا کرد او (فرستاده خدا) است و نهانی از مریدانش بیعت گرفت و عده زیادی دور او جمع شدند. یارانش هیچ‌گاه او را ترک نمی‌کردند و نوعی جمعیت اخوت اخلاقی به وجود آورده بودند. پیروانش کراماتی به او نسبت دادند و معتقد بودند که وی بر ضمائر

اشراف دارد و قادر به خواندن افکار دیگران است و بالاخره در تبریز، خود را واجد مقام اولیا و صاحب مکاشفات عالی یافت و سعی کرد مریدانش را متقاعد کند که او از برگزیدگان خاص خداوند است و همین ادعای او باعث شد که علما او را تکفیر کنند.

پس از این تکفیر فضل‌الله همراه یارانش راه اصفهان را در پیش گرفت، در آن جا برای مدتی از نظرها غایب شد و یکی از مریدانش به نام علی‌الاعلی، سراینده «کرسی‌نامه» درخصوص این غیبت موقت شعرهایی سرود. فضل‌الله دعوت خود را در اصفهان آشکار کرد و هفت نفر از داعیان خود را انتخاب نمود تا در چهار گوشه‌ی جهان اسلام مردم را به آیین جدید یعنی آیین **حروفی** دعوت کنند. نشر و توسعه‌ی عقاید حروفیه در سرزمین‌های مختلف موجب خشم بسیاری از علمای اهل سنت شد.

فضل‌الله پس از آشکار کردن عقاید خود زیاد در اصفهان نماند و برای دعوت هر چه بیشتر راهی سفر شد. سپس تیمور لنگ را به آیین حروفی دعوت کرد. اما تیمور نپذیرفت و بعضی از علمای سمرقند تیمور را تحریک به قتل فضل‌الله کردند. حکم قتل او پیش‌تر در گیلان نیز صادر شده بود.

فضل‌الله تصمیم داشت از بیم جان به کشور روم برود و با دعوت مسیحیان به اسلام و پیشوایی آنان اهداف خود را تحقق بخشد. اما دست سرنوشت برای او تقدیر دیگری رقم زده بود.

فضل‌الله با شتاب به شروان گریخت و به میرانشاه پسر تیمور پناه برد، اما قیام عامه علیه وی به گوش تیمور رسیده بود و به همین دلیل تیمور دستور قتل فضل‌الله را صادر کرد و از میرانشاه خواست تا او را به قتل برساند و میرانشاه نیز پس از دستگیری و زندانی کردن فضل، او را به دست خود کشت. خوشحالی مردم از قتل فضل‌الله به حدی بود که ریسمان به پایش بسته و جسدش را در کوچه و بازار کشیدند. از فضل‌الله وصیت‌نامه‌ای طولانی به جای مانده که خطاب به یکی از پسرانش به نام سلام‌الله نوشته شده است.

سال‌ها پس از مرگ فضل‌الله به دستور تیمور قبر او را شکافته و جسدش را از آن خارج کرده، سوزاندند. زیرا آرامگاه فضل، واقع در الگای النجق به صورت زیارتگاه و پایگاه مقدسی برای حروفیان و پیروانش درآمده و پس از گذشت هفت سال شأن و

اعتبار زیادی یافته بود و تیمور به خاطر جلوگیری از گسترش پیروان او این عمل را انجام داد. یک بار هم قاضی عمادالدین نخجوانی به دستور میرزا عمر پسر میران شاه قلعه‌ی النجق را ویران کرده بود.

با مرگ فضل‌الله پیروانش ضربه‌ی شدیدی خوردند، ولی از تکاپو نیفتادند. در چهار گوشه‌ی سرزمین‌های اسلامی به ترویج آیین حروفی پرداختند و برای فضل‌الله روضه‌خوانی و نوحه‌سرایی می‌کردند و کینه‌ی شدیدی نسبت به میرانشاه پیدا کرده و او را با نام‌های «مارانشاه»، «دجال»، «مارشه»، «دیوزاد» و «لعین» می‌خواندند. فضل‌الله در طول عمر ۵۶ ساله‌ی خود تألیفاتی داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: جاویدان کبیر: که تفسیری است بر قرآن به لهجه‌ی استرآبادی و شامل تاویل‌های نو از آیات قرآنی است. از آثار دیگر او مثنوی «عرش‌نامه» است که به زبان فارسی سروده شده است و در حدود ۱۱۲۰ بیت دارد و کتاب «نومنامه» که فضل‌الله در آن خواب‌های خود را ذکر کرده است.

همچنین او دارای اشعاری است که با تخلص «نعیمی» آن‌ها را سروده است. آثار دیگر او عبارتند از: کتاب تاویلات که موضوعش اثبات بقای روح پس از ترک جسم است و کتاب انفس و آفاق که یک منظومه‌ی فارسی است و کتاب محبت‌نامه و جاودان‌نامه که از جهت موضوع به هم شبیه هستند.

* * *

جنبش حروفیه

علم حروف از قدمت بسیاری برخوردار است. انسان از قرن‌ها پیش حروف و کلمات را مقدس می‌شمرد و از زمانی که کلام و کلمه رایج شد، این موضوع ذهن آدمی را به خود مشغول کرد. در عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) مسئله‌ی تقدس حروف به چشم می‌خورد. در قرن هشتم هجری، فضل‌الله استرآبادی، رهبر جنبش حروفیه، دیگر بار موضوع تقدس حروف را مطرح کرد.

استرآبادی با مطالعه‌ی دقیق در علم حروف، تفکر و ژرف‌اندیشی در آثار ابن عربی که او نیز برای حروف اهمیت خاصی قائل بود، بر ادبیات پارسی و عربی مسلط شد. وی از اعتقادات روزگار خود که شامل مسیحیت، یهودیت، اسلام و تصوف اسلامی بود آگاهی



شماره ۳۹

حاکمان عرب بود. به همین دلیل حروفیان آثار خود را به زبان فارسی و لهجه‌های محلی می‌نوشتند. تا مردم عادی از

افکار آن‌ها مطلع گردند. فضل‌الله کتاب «جاودان نامه» خود را به لهجه‌ی استرآبادی نگاشت و نسیمی، مشهورترین خلیفه و جانشین او، اشعارش را به زبان ترکی و فارسی می‌سرود. آن‌ها قصد داشتند تا از این راه، حاکمیت ایرانی جایگزین حاکمیت عربی شود. برخی از پیروان فضل‌الله برای اثبات برتری زبان فارسی بر عربی تعداد حروف فارسی و عربی را این‌گونه بررسی می‌کردند که: «در دهان انسان ابتدا بیست و هشت دندان می‌روید که برابر حروف عربی است و سپس به سی و دو دندان افزایش می‌یابد که برابر حروف فارسی است.» و بدین ترتیب می‌خواستند بگویند که زبان فارسی به دلیل داشتن حروف بیشتر مهم‌تر و کامل‌تر است.

این عقیده مکمل افکار فضل‌الله در زمینه‌ی ارزش حروف و همچنین بیانگر اهمیت زبان فارسی از دیدگاه حروفیان است. حروفیان به رغم تلاش فراوان و پیروان بسیاری که داشتند نتوانستند به فعالیت‌های سیاسی - مذهبی خود ادامه دهند و به طرز فجیعی با آنان برخورد شد و بیش‌تر آن‌ها را کشتند.

پیروان این گروه برای امیر تیمور گورکانی تهدیدی جدی به شمار می‌آمدند و این مغول وحشی به علت احساس ترس و وحشت از تبلیغات گسترده حروفیان در برقراری دولت‌های ملی و حکومت‌های ایرانی آنان را قتل عام کرد و بساط آن‌ها به دستور وی برچیده شد. پس از قتل فضل‌الله، یارانش در خارج از ایران به فعالیت پرداختند اما موفقیت چندانی به دست نیاوردند.

۱- علی میرفطروس: جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان، ص ۳۲ و ۳۱.

۲- به نقل از لغت‌نامه‌ی دهخدا

کتاب‌نامه

- ۱ - آژند، یعقوب: *حروفیه در تاریخ*، چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۶.
- ۲ - دهخدا، علی اکبر: *لغت‌نامه*، زیر نظر معین، سیروس، مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، تهران، بی‌تا.
- ۳ - زرین‌کوب، عبدالحسین: *دنباله جستجو در تصوف ایران*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۴ - میرفطروس، علی: *جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان*، کار، بی‌تا.

استرآبادی با این عقاید علاقه‌ی خود را به تشیع آشکار و از طرفی ادعای مهدویت می‌کند. فضل‌الله با این تصورات و توهمات من درآوردی مقام انسان را به مقام خدایی رساند و از مسلمانی، راهی به سوی کفر و الحاد گشود و جنبشی که آغازش به ظاهر بر اساس تعالیم الهی، تشیع و تصوف پی‌ریزی شده بود، سرانجام به کفر و بی‌دینی منتهی شد و چیزی جز گمراهی و رسوایی برای وی و پیروانش نیاورد.

اما با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر قرن نهم هجری و سلطه‌ی شدید تصوف و مذهب و ترویج و تبلیغ «علم حروف» و «نقطه» و توجیه اوضاع اجتماعی به وسیله‌ی جلوه‌های اسرارآمیز هر یک از این باورهای مذهبی و بسیاری از پندارها و اعتقادات مشابه و یا متضاد آن، همه و همه بی‌شک در حیات فکری و فرهنگی جامعه‌ی آن عصر تأثیر فراوان داشته است. بر این اساس، روشن است که برای ابراز هر گونه عقاید مادی و معنوی و انتشار تفکر «انسان خدایی» و نیز جهت جلب توده‌ها به میدان عمل و مبارزه، ابتدا لازم بود که از شکل و پوشش عقیدتی فرقه‌های موجود استفاده شود. آگاهی از همین ضرورت سیاسی - مذهبی بود که رهبران حروفیه در تشریح و ابراز عقاید خود، از «پوشش عقیدتی» فرقه‌های تصوف و تشیع بهره‌برداری کردند.^۱ اگر چه جنبش حروفیه در دین و مذهب ابتکاری خود به بیراهه رفت، اما آنچه مسلم است آن است که این جنبش زیاد هم بی‌اهمیت نبوده و به همین علت توانسته است در زمان حیات فضل‌الله و بعد از او پیروانی برای خود دست و پا کند.

ادوارد براون اهمیت مذهب حروفی را این‌گونه بیان می‌کند: «فرقه‌ی حروفیه از این جهت قابل توجه و شایسته‌ی مطالعه است که نه تنها مبادی و تعالیم شگفت‌انگیز و ادبیاتی وسیع در یک دوره تاریخی ایجاد کرد و مخصوصاً اشعار بسیار متفاوتی به فارسی و ترکی از خود به جای گذاشت، بلکه از لحاظ سیر تحولات و حوادث بزرگ تاریخی، دارای اهمیت بسیار زیادی است. عقوبت‌ها و شداید بسیار از یک طرف و قتل و کشتارها از طرف دیگر همه به واسطه‌ی ابراز عقیده پیروان این مسلک به وجود آمد.»^۲

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاسی - اجتماعی پیروان نهضت حروفیه بیگانه ستیزی و دست یافتن به برابری‌های اجتماعی با

داشت و با تلفیق این معارف و دانش‌ها آیین جدیدی به وجود آورد.

دین و آیین جدید فضل‌الله بر مبنای شناخت رمز و راز حروف استوار بود. به عقیده‌ی او برای درک درست کتاب‌های آسمانی و سخنان پیغمبران باید با معنی و راز حروف آشنا شد. خودش نیز از همین راه معنی‌ها و تفسیرهای شگفتی برای قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم بیان می‌کرد. در کتاب جاودان‌نامه‌اش آیات قرآن کریم را با کمک احادیث پیامبر اکرم و سخنانی از انجیل تفسیر کرده است.

استرآبادی ادعا می‌کرد که احیاکننده اسلام در قرن نهم هجری است و شعار او تعالی بخشیدن به انسان و رساندن او به مقام الوهیت بود. از دیدگاه وی پایه و اساس شناخت خداوند، لفظ و کلمه است. چون خداوند محسوس نیست و فقط از راه کلمات شناخته می‌شود پس حروف، پل ارتباطی بین خدا و بنده او هستند و از سوی دیگر صدا و صوت، تجلی هستی‌اند و در موجودات جاندار، بالفعل و در موجودات بی‌جان بالقوه وجود دارند. ظهور اصوات در جانداران آزادی است. کلام، کمال صوت و صدا است که فقط در انسان متجلی شده است.

فضل‌الله تعبیر معانی با حروف و اصوات را در قالب حروف عربی و فارسی می‌ریخت و مظاهراشکار و نهان جهان را بر بیست و هشت حرف عربی و سی و دو حرف فارسی منطبق می‌کرد. از دید او،

چون انسان نمودی از تجسم الهی در عالم باقی است، پس باید به مقام خدایی برسد. انسان نور چشم کائنات است، اما در بین انسان‌ها یکی بر همه برتری دارد و تمام انسان‌ها مطیع او هستند و او همان پیامبر اکرم و امام امت است.

پیامبر کامل، حضرت محمد (ص) است. هر پیامبر یک وصی دارد که امام امت است و امامت نیز در وجود حضرت علی (ع) خلاصه شده و به کمال رسیده است.

امامت از حضرت علی (ع) آغاز و به امام حسن عسکری ختم می‌شود و پس از آن دوران غیبت شروع می‌شود.

به طور کلی حروفیان معتقدند که گردش کائنات بر اساس سه مرحله بنیان‌گذاری شده است:

- ۱ - نبوت ۲ - امامت ۳ - الوهیت: که دوره‌ی الوهیت با ظهور فضل‌الله آغاز می‌شود.